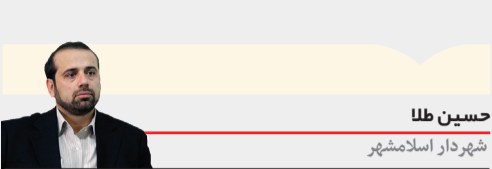


## یادداشت

## سکان آرامش کشور



همان‌طور که دولت در جنگ اقتصادی به‌سر می‌برد و با فشارهایی از این ناحیه مواجه است، این فشار روی زندگی مردم نیز وجود دارد و افزایش قیمت‌ها و مشکلات معیشتی ناراضیاتی‌های متعددی را برای آنها به وجود آورده است. فضای اقتصاد آن‌گونه که باید باشد نیست. درآمد خانوارها دچار مشکل شده و دست‌خالی دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما و معضل تزریق پول نیز مشکلاتی را در حوزه پر‌پروژه‌ها و طرح‌ها پدید آورده است.

مردم از وضع موجود گلایه دارند اما اغتشاشاتی که در سطح شهرها و شهرستان‌ها ظهور و بروز داشت نسبتی با مردم نداشت. مردم به‌خاطر ناراحتی به اموال خود آسیب نمی‌زنند. آنچه اتفاق افتاد تولید اغتشاش از سوی جریان سازماندهی شده‌ای بود که به بهانه افزایش قیمت بنزین برای انتقام از مردم به میدان آمده بود. در روزهای گذشته بسیاری از مقامات غربی و تحلیلگران آن طرف آسی صراحتا اعلام کردند دو سال روی شبکه اغتشاش کار شد تا بتوان در زمان لازم از آنها استفاده کرد. با این وصف حساب آن چیزی که در طول این چند روز در شهرهای مختلف اتفاق افتاد از حساب مردم جداست. این البته به‌معنای عدم ناراحتی و گلایه‌مندی مردم از عملکرد مسئولان نیست. مردم گلایه دارنداما حساب میراث‌شهادی انقلاب و شهدای دفاع مقدس را از عملکرد مسئولان و مدیران اجرایی جدا می‌کنند. حمایت مردم، حمایت از نظام و اعلام پایبندی و وفاداری نسبت به خون شهدا و آرمان‌های انقلاب بود؛ آرمان‌هایی که پیش از این نیز در مقاطع مختلف برای حفظ‌شان هزینه داده‌اند.

اگر رهبر انقلاب در این موضوع ورود نکرده و دراین‌باره اتمام‌حجت نمی‌کردند وضع احتمالا به گونه دیگری رقم می‌خورد و گلایه‌مندی‌ها میان انقلابیون شدت بیشتری داشت اما وقتی رهبری به موضوع ورود کرده و آن را محصول کار کارشناسی و تصمیم‌سران قیوانتلقی کردند و این تصمیم را مورد حمایت و تایید قرار دادند، مردم به‌رغم اعتراض‌شان به میدان آمدند. اگرچه این حضور همان‌گونه که ذکر شد به‌معنای رضایت از عملکرد مسئولان نیست و همه مسئولان در سطوح مختلف موظفند نسبت به خرج مشکلات جامعه و رفاه نسبی مردم سعی و تلاش بیشتری به خرج دهند. کارگزاران همچنین نباید آنچه روز دوشنبه در تهران و روزهای اخیر در دیگر شهرها اتفاق افتاد را به‌عنوان مهر تایید و حمایتی بر عملکردهای خود تفسیر کنند و لازم است متوجه پیام واقعی این حضور بشوند.

کشور در روزهای گذشته با دو چالش امنیتی و اقتصادی مواجه بود. حضور مردم چالش امنیتی را تا حد زیادی مرتفع کرد و زمینه مناسبی را برای تمرکز دولت بر چالش اقتصادی فراهم آورد. معیشت مردم در گرو وضعیت اقتصادی کشور است. پایه و رکن اساسی اقتصاد، گردش مالی و رونق اقتصادی و مهم‌تر از همه سرمایه‌گذاری است. ثبات، رابطه مستقیمی با امنیت و امنیت اقتصادی دارد. تثبیت این امنیت به‌طور طبیعی زمینه رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد.

فردی که پولی در اختیار داشته و قصد سرمایه‌گذاری دارد، مکانی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کند که ثبات و امنیت در آن مستقر است و آشوب و بلوا در آن وجود ندارد. این یک اصل ثابت است و در شرایط فقدان ثبات و امنیت اساسا جذب سرمایه‌موضوعیتی ندارد. با چنین پیش‌فرضی بایدتوجه داشت که مردم به‌عنوان سکان آرامش نظام نقش خود را به خوبی ایفا کردند و به‌رغم همه سازماندهی‌های صورت‌گرفته با مرزبندی با اغتشاش‌گران و نیز با حضور به‌موقع در صیانت از نظام، بساط اغتشاش تقریبا از روز دوشنبه در کل کشور جمع شد. موضوعی که مهم‌ترین علتش عدم همراهی مردم با آشوبگران بود. آنها درصدد بودند روی موج ناراضیاتی و گلایه مردم از گرانی بنزین سوار شوند. مردم اما هوشمندی به خرج دادند و با آنها همراه نشدند. آن مرزبندی و این حضور به‌موقع بیش از هر چیز مردمی‌بودن نظام را به اثبات رسانده و ماندگاری آن را تضمین می‌کند.

طبیعتا برای هر کسی که در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری دستی بر آتش دارد بازگشت ثبات و امنیت از اهمیت مضاعفی برخوردار است. خیلی از کشورها نتوانستند اعتراض‌های داخلی‌شان را این‌گونه مدیریت کنند. فرانسه همیشه مدعی با حتی آمریکا از این دسته‌اند. در کشورهای حوزه خلیج‌فارس نیز عمدتا اعتراض‌ها به نامانی و درگیری‌هایی منجر شد که فرار سرمایه‌ها را به دنبال داشت.

نظام جمهوری اسلامی به‌رغم همه تهدیدات موجود و با وجود سازماندهی و پول‌هایی که هزینه شد تا سازمان آشوب فراهم شود و در خیابان‌های شهرهای ایران عملیات کند، توانست خود را به ثبات برساند. این اتفاق‌ها اگر در هر کشور دیگری رخ می‌داد شاید می‌توانست یک کشور را ساقط کند ولی نظام جمهوری اسلامی توانست با مثنی مردمی خود، بر آنها فائق آید.

در چنین شرایطی حضور مردم یک پیام داخلی نیز دارد. کارگزاران نظام در سطوح مختلف باید این پیام را دریابند که مقدا اخوتی هم اگر هست با کشور و آرمان‌ها و خون شهدا است، نه با برخی مسئولان!

در پایان نیز ذکر این نکته ضروری است که مادر حوزه مدیریت نیازمند بهره‌گیری از تجربیات مختلف داخلی و خارجی برای مواجهه با چنین رخدادهایی هستیم. هرچه باشد به‌نظر می‌رسد خیلی از اتفاق‌هایی که در روزهای اخیر رخ داد برای مجریان قابل پیش‌بینی و حتی پیشگیری بود و ما می‌توانستیم با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی دقیق و ساماندهی مناسب، مانع از خسارت‌های وارده و آسیب‌هایی که مردم متحمل شدند، شویم.

# سیاست

عماد افروغ، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در تحلیل حضور پرشور روز گذشته مردم :

# نقد درون‌گفتمانی متجلی شد



بسیج می‌شوند باید توضیح داد اگر قرار باشد آنها از روال قانونی استفاده کنند باید از وزارت کشور اجازه بگیرند و قبلا هم باید محل‌هایی برای اعتراض تعبیه شده باشد. امروز اما این روال طی نشده است و همین جاست که باید گفت الحمدالله چنین محملی وجود دارد که مردم می‌توانند از ظرفیت‌های مستتر در انقلاب اسلامی استفاده کنند.

#### توضیح دقیق تری می‌دهید؟

یک نکته ظریفی اینجا وجود دارد که کمتر به آن توجه می‌شود، عده‌ای می‌خواهند انقلاب اسلامی را به نظام جمهوری اسلامی تقلیل دهند که بنده متعقدم این اقدام جفا و خیانت است، زیرا ظرفیت انقلاب اسلامی خیلی وسیع‌تر است. امام عباتری دارند به این مضمون که می‌فرمایند «تمام طبقات و اقصار باید در خدمت طبقات محروم جامعه باشند و مردم پشتیبان دولتی باشند که طرفدار آنهاست، اما اگر دولت‌ها طرفدار آنها نبودند، مردم شکایت کنند، اگر به شکایت آنها رسیدگی نشد در دهان دولت بزنند». امام این را چه موقع بیان می‌کنند؟ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی!

دقت کنید امام راحل می‌فرمایند در دهان دولت بزنند. این به چه معنی است؟ از کدام ظرفیت باید استفاده کنیم که در دهان دولت بزنیم؟ از همان ظرفیت‌های انقلاب اسلامی باید استفاده شود، نه ظرفیتی که تعریف‌شده و حتما باید مراحل قانونی را طی کند. الان از شما سوال می‌کنم آیا گرانی‌ها کنترل نشده است! این مساله سوای این است که تا کتبث مردم به‌متخدا اعلام و اعلا افزایش نرخ بنزین معترض بودند و حالا به تبعات بعد از آن هم معترض شده بودند.

**ببینید مردم دیروز در تهران و روزهای گذشته در شهرهای دیگر، نجیبانه به خیابان آمدند به‌رغم اینکه ظرفیت‌های مدنی قانونی قبل از وقوع افزایش ناگهانی نرخ بنزین در اختیار آنها قرار نگرفت تا اظهارنظر کنند و اعتراضات مدنی خود را از مجاری قانونی بروز دهند، اما کماکان مصر هستند از این ظرفیت‌ها استفاده شود.**

**یکی از این ظرفیت‌ها برای اظهارنظر همین راهپیمایی است! شاید برسید محمل قانونی آن چیست؟**

ببینید دیروز با فراخوان یک نهادهی که بیشتر وابسته به انقلاب اسلامی است، مردم فراخوانی را مشاهده کردند و آمدند، همین! اتفاقی که در وهله اول نشان می‌دهد حساب انقلاب اسلامی از سیاست و رفتارهای برخی مستقران در جمهوری اسلامی حتی افراد حاضر در راس قوای سه‌گانه جداست. در وهله دوم در پاسخ به این سوال که مردم چطور

## گفت و گو

بیژن مقدم:

## حضور مردم به‌منزله حمایت از تصمیم دولت نیست

دیگر هیچ نقد و اعتراض و ناراضیاتی مشکلی ندارند، دروغی بزرگ است. «وی با بیان آنکه مشکلات اقتصادی مردم و اعتراض‌های معیشتی آنها به بقوت خود باقی است، یادآور شد: «با این حال آنها واقعیت صحنه را می‌بینند و باسبک و سنگین کردن شرایط اقتصادی کشور و آرمان‌های خود و بررسی دشمنی‌هایی که وجوددارد، تصمیم می‌گیرنداز اصل بزرگی که برای حفظ آن خون داده‌اند وتلاش‌ها کرده‌اند و سختی‌های زیادی را در این راستا به جان خریده‌اند، دفاع کنند.» مقدم با تاکید بر اینکه تنها تفسیر منطبق بر واقعیت از حضور مردم همین موضوع است، تصریح کرد: «هرگونه برداشت متفاوتی نظیرمشکل نداشتن آنها،حمایت‌از تصمیم دولت در طرح سهمیه‌بندی...، فاقد موضوعیت است.» این کارشناس مسائل رسانه ادامه داد: «حضور آنها هیچ ربطی به تصمیم‌بنزینی دولت ندارد و این موضوع در اطلاعیه‌هایی که برای این تجمعات صادر شد نیز قابل مشاهده است. به بیان دقیق‌تر، هیچ جا اعلام نشد که از دولت حمایت می‌کنیم چون بنزین را گران کرد. بلکه مردم در دفاع از انقلاب و مخالفت با نامنی‌ها و شراרת‌ها به میدان آمدند و این‌گونه فهمی غیر از این خطا و انحراف است.» وی با اشاره به تاثیر این حضور بر چالش امنیتی شکل گرفته در روزهای اخیر گفت: «این اتفاق

جمهوری اسلامی جداست و مردم هم این را متوجه شدند. وقتی سیال ۸۲ گفتم حساب گفتمان انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی جداست و مفهوم نقد درون‌گفتمانی را مطرح کردم یعنی دچار پارادوکس شدم؟ خیر. مردم حساب گفتمان انقلاب اسلامی را از برخی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی جدا کردند. این عین بصیرت است. همیشه ۲۲ بهمن مظهر انقلاب اسلامی است چون سالروز پیروزی انقلاب اسلامی است. مردم همه این اختلافات را کنار می‌گذارند و آنجا میثاق تاریخی و ملی با اصل انقلاب اسلامی می‌بندند.

**این نکاتی که بیان می‌کنید با عقل مدرن و معیشت محور سازگاری ندارد.**

انقلاب اسلامی درست است که شعار معیشت هم دارد اما حتما تقلیل یافته به معیشت نیست. انقلاب اسلامی یک فلسفه سیاسی و اخلاقی دارد که معیشت را پشت‌سر می‌گذارد، عدالت فردی را پشت‌سسر می‌گذارد و به انفاق، ایثار، احسان و لطف می‌رسد. یعنی اخلاق سیاسی آن مبتنی بر ایثار است و به مراحل متعالی می‌رسد. اصطلاحا وقتی به مرحله متعالیه می‌رسد به این معنا نیست که توجه به اخلاق مسلح پایین نداشته باشد، توجه به اخلاق قدرت و معیشت نداشته باشد. یکی از شعارهای ما عدالت اجتماعی و توجه به حق معاش است. ما نمی‌توانیم نه به لحاظ فلسفه سیاسی و نه به لحاظ آموزه‌های دینی از حق معاش مردم غافل شویم. آموزه‌های دینی ما هم اشاره به معاش دارد. حضرت امیر(ع) وقتی مالک را به مصر می‌فرستد، می‌گوید با بودن تو، باید زندگی مردم بهتر شود. مردم باید رفاه بیشتری پیدا کنند. یعنی رفاه بیشتری پیدا کنند و با نشاط‌تر شوند. این به آن معنا نیست که فقط به معاش آنها توجه شود. می‌گوید مردم را اصلاح و تربیت کنید ولی به مساله معاش و نشاط و رفاه هم توجه کنید.

خلاصه امر اینکه این راهپیمایی تجلی و مظهر تمام‌نمای نقد درون‌گفتمانی است و جدایی حساب انقلاب اسلامی از برخی از سیاست‌های مستتر در نظام جمهوری اسلامی است. برخی مساله غیرقابل قبولی را در تاریخ انقلاب خلق کردند اینکه هرگاه عده‌ای نقد کردند گفتند انقلاب تضعیف می‌شود، نقد چه ربطی به انقلاب دارد؟ وقتی سیاستی را نقد می‌کنیم چه ربطی به انقلاب اسلامی دارد؟ اتفاقا همه آرزوهای ما و تلاش حقیر این بود که حساب گفتمان انقلاب اسلامی از برخی سیاست‌ها و رفتارهای موجود در جمهوری اسلامی را جدا کنیم و معیار نقد ما انقلاب اسلامی باشد. با این معیار به نقد سیاست‌ها و رفتارها می‌پردازیم. اگر منطقی بود مطلوب است و اگر نبود با شلاق می‌زنیم و خرد می‌کنیم. متأسفانه عده‌ای متوجه این جدایی نشدند و من واقعا ناراحت هستم، عده‌ای به‌نام انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی بار خود را بستند، چه بودند و به کجا رسیدند! در حالی که اگر قرار باشد با معیار گفتمانی انقلاب اسلامی به نقد این رفتارها بپردازیم، امروز باید تمام این اموال از آنها گرفته شود.

درست همان‌طوری که حضرت امیر(ع) گفتند اگر به کابین زنان تان رفته باشد پس می‌گیرم، یعنی باید پس گرفته شود. لذا اگر بخواهم جواب مبنایی به سئوال اصلی شما بدهم می‌گویم حضور مردم بیانگر التزام آنها به انقلاب اسلامی و اصل جمهوری اسلامی است، نه التزام آنها به سیاست‌ها و رفتارها. معلوم است که مردم کماکان معترض گرانی هستند، معترض این تصمیم هستند اما هم حساب خود را با ضدانقلاب تفکیک کردند، هم با مسببان گرانی! و این عین عقلانیت و بصیرت است. برای اولین بار می‌توانم بگویم نقد درون‌گفتمانی متجلی شد.

وی با اشاره به حمایت رهبر انقلاب از تصمیم مسئولان قوا برای اجرای طرح سسه‌میه‌بندی بنزین ادامه داد: «برخی این حمایت را حمل بر نوعی فداکاری گذاشتند و برخی این‌طور جمع‌بندی کردند که اقتدار دولت باید حفظ شود

و دولت باید باشد تا امنیت برقرار شود. از این منظر باید این دولت را بسپری تا نگاه داشت و کمک کرد تا به خود بیاید و با اقتدار بیشتر و تدبیر بیشتری کار را پیش ببرد، والا دولت ضعیف و متزلزل به درد هیچ کشور و ملتی نمی‌خورد. لذا حمایت رهبری از این منظر قابل فهم است که پای منافع کلان مردم در میان بود.»

مقدم در تحلیل پیام‌های بیرونی این تجمع‌ها گفت: «حتما آنهاپی که خواب براندازی نظام و جدایی مردم از حاکمیت را می‌دیدند، خواب‌شان با واقعیت بیرونی پریشان می‌شود. مساله جمهوری اسلامی با همه کشورهای دیگر متفاوت است و روش‌های مردم باید در دیگر کشورها برای ایران پاسخگو نیست. این البته به آن معنا نیست که دشمنان دست برمی‌دارند و از اقدامات خود برای تضعیف جمهوری اسلامی کوتاه می‌آیند. این اتفاق قطعا رخ نمی‌دهد ولی حداقل پیام این تجمعات آن است که تصور براندازی با اقداماتی از این دست را برای آنها کم‌رنگ می‌کند.

هرچه هست تصاویری که از تجمعات اخیر و به‌خصوص تجمع تهران در رسانه‌ها منکس می‌شود در تاریخ ثبت خواهد شد و محاسبات اشتباه آنها در مواجهه با نظام اسلامی را بار دیگر ماندگار خواهد کرد.»